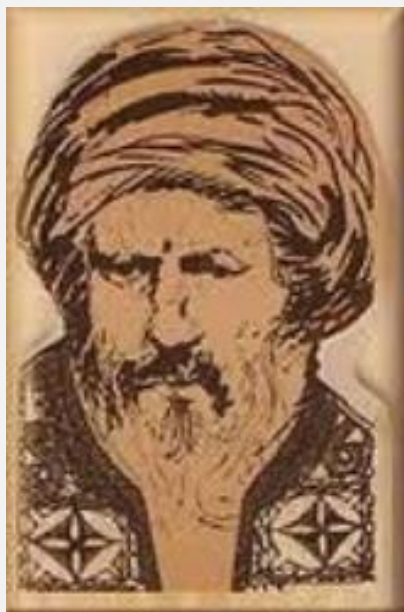


زندگانی ابن خلدون

ابن خلدون xaldun ، ابوزید ebn-e ولی‌الدین عبدالرحمان بن محمد بن محمد ... بن عبدالرحمان بن خلدون حَضَرَمی اِشِبیلی تونسی ۳۲- ۸۰۸ ق/۳۳۲-۴۰۶م، متفکر جامعه‌شناس و مورخ و قاضی مالکی مذهب که خود را از نسل وائل بن حُجْر کندی صحابی می‌دانست.



ابن خلدون xaldun ، ابوزید ebn-e ولی‌الدین عبدالرحمان بن محمد بن محمد ... بن عبدالرحمان بن خلدون حَضَرَمی اِشِبیلی تونسی ۳۲- ۸۰۸ ق/۳۳۲-۴۰۶م، متفکر جامعه‌شناس و مورخ و قاضی مالکی مذهب که خود را از نسل وائل بن حُجْر کندی صحابی می‌دانست. خاندان بنی خلدون منسوب به خالد، معروف به خلدون الداخل بود که در سدهٔ ۴/م به اندلس رفت و نخست در قرمونه و پس از آن در اشبیلیه ساکن شد.

عبدالرحمان در شهر تونس از سرزمین‌آفریقیه زاده شد و همان‌جا به تحصیل علم پرداخت. در ۱ سالگی از سوی ابومحمد ابن تافراگین که به نام ابواسحاق ابراهیم، شاهزادهٔ حفصی رشتهٔ کارها را در دست داشت، علامت نویسی راquo&171#؛ سلطان شد که وظیفه‌اش نوشتن تحمیدیه الحمدلله و الشکرلله با خط درشت در فاصلهٔ بسمله و متن فرمانها بود. در این هنگام ابوزید امیر قسنطینه در الجزایر برای تصرف تونس که قلمرو موروئی وی بود، به جنگ ابن تافراگین رفت و لشکر او را بشکست و ابن خلدون نیز تونس را رها کرد و سرانجام به سلطان ابوعنان مرینی در فاس پیوست و دبیر خاص سلطان شد و در عین حال از استادان بزرگ آن دیار و کتابخانه‌های مدارس آنجا بهره‌مند شد.

با ورود ابن خلدون به فاس، دورهٔ دوم زندگی او که دورهٔ فعالیت سیاسی‌اش محسوب می‌گردد آغاز شد. توقف ابن خلدون در فاس سال ۵۵-۶۳ق به درازا کشید که دو سال آن بر اثر فعالیت‌های سیاسی در زندان سپری شد. وی در ۶۳ق به اندلس رفت و بنابر سابقهٔ آشنایی با لسان‌الدین ابن خطیب وزیر و ابوعبدالله محمد بن یوسف سلطان غرناطه در آنجا اقامت گزید و از خاصان سلطان شد. آن‌گاه که امیر ابوعبدالله بر بجایه دست یافت ۶۵ق، ابن خلدون را هم به نزد خود خواند. استقبال گرم مردم و درباریان از او آن روز را به یکی از روزهای بزرگ و خاطره‌انگیز زندگی سیاسی ابن خلدون بدل کرد. سلطان نیز منصب حاجبی را به ابن خلدون سپرد. با آنکه در اوایل عصر سلطان ابوالعباس نیز بر همان منصب بود، ولی به سعایت بدخواهان مجبور به ترک آنجا شد و به بسکره رفت و سال آنجا ماند و به کارهای علمی پرداخت. سپس به تلمسان انتقال یافت، اندکی بعد در قلعهٔ ابن‌سلامه اقامت گزید و با کناره‌گیری از سیاست و پرداختن به امر تحقیق و تدریس، دورهٔ سوم زندگی خود را آغاز کرد.

وی در ۸۰ق/۳۷۸م پس از ۶ سال دوباره به تونس رفت و مورد استقبال واقع شد و بخشی از کتاب تاریخ خود را در آنجا نوشت. بعد روانهٔ اسکندریه شد و از آنجا به قاهره رفت و در جامع الازهر و دیگر مدارس به تدریس نشست و تا پایان عمر همان‌جا ماند. آوازهٔ ابن خلدون در جهان دانش مرهون کتاب بزرگ و مشهور او موسوم به العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، به ویژه مقدمهٔ آن است. او نگارش این کتاب را در قلعهٔ ابن‌سلامه که در آن عزلت گرفته بود، آغاز کرد ۷۹ق و تا ۹ سال بعد آن را ادامه داد و همواره به تصحیح و تکمیل آن مشغول بود. مقدمهٔ ابن خلدون موضوع بحثها و بررسیهای بسیاری در سطح جهان بوده و هست و بسیاری از محققان ابن خلدون را به سبب همین اثر از نوایغ فکری بشر دانسته‌اند. ابن خلدون پیش از ورود به مباحث خاص raquo&171#؛ دانش عمران که موضوع کتاب نخست العبر است، در دیپاچه بر مقدمه، به طرح مسائلی اساسی در مورد فن تاریخ می‌پردازد. این مسائل بینش تاریخی ابن خلدون و ارتباط raquo&171#؛ دانش عمران راquo&؛ با تاریخ را روشن می‌کند و گوشه‌هایی از مسیر تکوین اندیشهٔ تاریخی او را نشان می‌دهد. نخستین عبارت کتاب نخست، یعنی آغاز بحث از raquo&171#؛ دانش عمران راquo&؛ بیان حقیقت تاریخ است که raquo&171#؛ خبر دادن از اجتماع انسانی، یعنی اجتماع جهانی، و کیفیاتی است که بر طبیعت این اجتماع عارض می‌شود raquo&؛. ترتیب ابواب کتاب نخست اجمالاً چنین است: عمران بشر به طور کلی...؛ عمران بادیه‌نشین...؛ دولتها... و مناصب و پایگاههای دولتی؛ عمران شهرنشین...؛ هنرها و معاش...؛ و دانشها. تعلیل این ترتیب از لحاظ درک بینش اجتماعی و تاریخی ابن خلدون اهمیت فراوان دارد. وی تفاوت در رسوم و شئون زندگانی ملتها را نتیجهٔ نوع معیشت آنان، یعنی اقتصاد می‌داند و از این رو، گاه در تعلیل عقلی پدیده‌ها به مادیگری تاریخی نزدیک می‌شود.

ابن خلدون به عنوان مبتکر و مبدع raquo&171#؛ دانش عمران راquo&؛ ناگزیر از استعمال واژه‌های معمول زبان در مفاهیمی نو شده است، مثل: عمران، عصبیت، ابنیه، وازع، خلافیه، عجم‌العرب، فارسیه، ملکه، ثقافه، استعداد، دولت، عمارت، بدوی و بسیاری دیگر. از

این میان، واژهٔ 171#&عصبيت؛ از اهمیت بسیار برخوردار است و ابن خلدون توجه ویژه‌ای به آن داشته، و در واقع بسیاری از مباحث مقدمه را بر محور آن متمرکز ساخته است. چه، 171#&عصبيت؛ به مفهوم 171#&همبستگی اجتماعی نسبی؛ در زندگی بدوی، در مرحلهٔ بعد از مبانی لازم زندگی اجتماعی قرار دارد و از لوازم تشکیل دولت است. نظریهٔ ابن خلدون در مورد دولت اساساً متکی بر نظریهٔ عصبيت اوست. نظریات ابن خلدون در مورد مسائل اقتصادی مانند نسبت ارزش و کار و قیمت و عرضه و تقاضا و تناسب تحولات آنها با دگرگونیهای اجتماعی قابل توجه است.

پس از شناسایی مجدد ابن خلدون از سدهٔ پیش به این سو، اطلاق عنوان 171#&فلسفهٔ تاریخ؛ بر مقدمه بسیار رایج شده است، از آن رو که در آن نظریاتی به صورت بیان قوانین حاکم بر جریانهای تاریخ و جامعه آمده است. ابن خلدون با بحث در علل انحطاط و عمران جوامع، می‌کوشد که عوامل عدم تحقق مصالح عمومی را بشناساند و همین کوششها و نظریه‌پردازیها او را به عنوان بانی جامعه‌شناسی موردتوجه قرار داده است.

بخش دوم العبر ابن خلدون، شامل کتابهای دوم و سوم و قسمت تاریخی آن است. این قسمت شامل یک دوره تاریخ عمومی است. بنابر اظهار ابن خلدون، بخشی که به نام مقدمه شناخته شده است، یعنی بخش محتوی 171#&دانش عمران؛، خود عین کتاب تاریخ است و درست هم این است که چنین باشد. او در بیان ترتیب اجزاء کتاب العبر، این قسمت را به نام کتاب نخست مبنای دو کتاب دیگر قرار داده است، اما در دوران معاصر اغلب آن را از دیگر اجزاء العبر جدا دانسته‌اند، در حالی که هدف اصلی ابن خلدون، با توجه به انگیزه‌هایی که او را به این امر واداشت، نگارش تاریخ نبوده است و در صورت جدا شمردن مقدمه از تاریخ، باید گفت که مقدمه یا 171#&علم عمران؛ را تنها به‌منظور درک و ارائهٔ تاریخی درست، تألیف کرده، زیرا پس از آن به تاریخ محض پرداخته است.

بخش سوم اثر تاریخی ابن خلدون شرحی است که خود در احوال خویشتن نوشته است. این بخش که اختصاراً به التعریف شهرت یافته، شامل قسمتی از وقایع مهم زندگی ابن خلدون تا یک سال پیش از مرگ او، یعنی تا شعبان ۷۰۷ است. التعریف از آغاز جزئی از کتاب العبر بوده، و تنها نامش آن را از دیگر بخشها جدا می‌کرده است. ابن خلدون امروزه در فرهنگ جهانی جایگاه شایسته‌ای دارد. او نه تنها نسبت به زمان خود استثنایی جلوه می‌کند، که با انسان متفکر زمان ما هم سخنان بسیار دارد.

نویسنده: اِنی کاظمی

*برگرفته از دانشنامه ایران